

نقدی بر کتاب «بهبود فضای کسب‌وکار و تحقق اقتصاد مقاومتی»

حمید پاداش*

محمد باشکوه اجیرلو** بهمین خداپناه***

چکیده

منظور از محیط کسب‌وکار، عوامل مؤثر بر عملکرد بنگاه‌های اقتصادی است که مدیران یا مالکان بنگاه‌ها نمی‌توانند آن‌ها را تغییر داده یا بهبود بخشند. کتاب «بهبود فضای کسب‌وکار و تحقق اقتصاد مقاومتی» تألیفی است که محقق آن به دنبال ایجاد ارتباط بین محیط کسب‌وکار و تحقق اقتصاد مقاومتی بوده است. در همین راستا شاخص سهولت انجام کسب‌وکار را انتخاب نموده و با استفاده از جداول و نمودارهای مقایسه‌ای سعی در موشکافی این ارتباط داشته است. این مقاله تحت عنوان نقد صوری و نقد محتوایی ساختاربندی شده است؛ مصداق موردنظر نویسنده (محیط کسب‌وکار) دارای طیف وسیعی از شاخص‌های متمایزی هستند که تفاوت‌های مهمی بینشان وجود دارد و نمی‌توان تمام این موارد و مصادیق را یکسان و مشابه دانست؛ اما نویسنده فقط به یکی از شاخص‌ها که البته شاخص مهمی نیز به شمار می‌رود اشاره داشته است. نظر به این که، کتاب مذکور هدف والایی را دنبال می‌کند، تبیینی متقن از ارتباط بین محیط کسب‌وکار و اقتصاد مقاومتی بر غنای اثر خواهد افزود و انتظار می‌رود تا نویسنده محترم در چاپ‌های بعدی، نکات مطرح شده را به منظور ارتقای کیفیت اثر مورد توجه قرار دهد.

کلیدواژه‌ها: اقتصاد مقاومتی، فضای کسب‌وکار، ایران.

*استادیار دانشگاه تهران - دانشکده کارآفرینی - گروه کارآفرینی سازمانی. padash@ut.ac.ir

**دانشیار دانشگاه محقق اردبیلی - دانشکده ادبیات و علوم انسانی - گروه مدیریت و اقتصاد (نویسنده مسئول). mohammadbashokouh@gmail.com

***دانشجوی دکتری دانشگاه تهران - دانشکده کارآفرینی - گروه توسعه. khodapanah@ut.ac.ir

تاریخ دریافت: ۱۳۹۷/۵/۱۰، تاریخ پذیرش: ۱۳۹۷/۸/۲۷

۱. مقدمه

یکی از مهم‌ترین سیاست‌هایی که در ایران برای اولین بار و در دیدار کارآفرینان توسط رهبر انقلاب مطرح گردید، سیاست‌های کلی اقتصاد مقاومتی بوده است. از جمله مباحث مطرح شده در این سیاست‌ها، تأکید مقام معظم رهبری بر بحث کارآفرینی و نوآوری به عنوان موتور محرک رشد و توسعه درون‌زای اقتصادی بوده است:

"ایران اسلامی... خواهد توانست در جهان پر از مخاطرات و بی‌اطمینانی‌های، با حفظ دستاوردهای کشور در زمینه‌های مختلف و تداوم پیشرفت و تحقق آرمان‌ها و اصول قانون اساسی و سند چشم‌انداز بیست‌ساله، *اقتصاد متکی به دانش و فناوری*، عدالت بنیان، *درون‌زا و برون‌گرا*، پویا و پیشرو را محقق سازد و الگویی الهام‌بخش از نظام اقتصادی اسلام را عینیت بخشد". دستیابی به چنین الگویی نیازمند توجه به محیط کسب‌وکار در کشور است. اقتصاد مقاومتی روشی برای مقابله با تحریم‌های اقتصادی علیه یک منطقه یا کشور تحریم شده، با کمترین وابستگی به خارج از کشور در خصوص نیازهای اساسی و راهبردی است.

رهبری انقلاب اسلامی، «اقتصاد مقاومتی» را معنا و مفهومی از کارآفرینی معرفی نموده‌اند و برای نیاز اساسی کشور به کارآفرینی نیز دو دلیل «فشار اقتصادی دشمنان» و «آمادگی کشور برای جهش» را معرفی کرده‌اند. رویکرد اقتصادی ایران تحت عنوان «اقتصاد مقاومتی» غالباً در برابر اقتصاد تحت سیطره غرب دیده می‌شود.

از طرفی دیگر، سازمان توسعه صنعتی ملل متحد (۲۰۱۰) فضای کسب و کار را مجموعه قوانینی می‌داند که بر هزینه شرکت‌ها تأثیر دارد. در واقع؛ فضای کسب و کار شامل زیر ساخت‌های اقتصادی، میزان سلامت سیستم اداری، امنیت اجتماعی، ثبات در سیاست‌های اقتصادی، قوانین و مقررات، کیفیت نظام قضایی و ... است که بر عملکرد کسب و کارها تأثیر مستقیم دارند، ولی تغییر آن‌ها فراتر از اختیارات و قدرت مدیران شرکت‌ها و کسب و کارها است (خاکی، میرزاخانی و غفاری، ۱۳۹۷).

معصومه سادات سجادی، در کتاب «بهبود فضای کسب‌وکار و تحقق اقتصاد» به بررسی جایگاه ایران در شاخص سهولت انجام کسب‌وکار و مقایسه آن با کشورهای منتخب پرداخته و پیش شرط رسیدن به اقتصاد مقاومتی را در تسهیل فرایند انجام کسب و کار در کشور دانسته است. در ادامه پس از بررسی مبانی نظری، به بررسی و تشریح شکل‌گیری و محتوایی اثر مذکور پرداخته خواهد شد.

۲. مبانی نظری

وورتینگتون و بریتون (۲۰۱۵) محیط کسب و کار را مجموعه عوامل سیاسی، اقتصادی، اجتماعی، تکنولوژیکی، حقوقی و اخلاقی می‌دانند که بر فعالیتهای کسب و کارهای تاثیر می‌گذارند، به گونه‌ای که کسب و کارها یا هیچ‌گونه کنترلی بر آنها ندارند و یا توان بسیار اندکی در کنترل این عوامل دارند (Worthington & Britton, 2015). در بررسی فضای کسب و کار، تمایزی کاربردی و مفید می‌تواند بین شاخص‌های خارجی که تمایل به تاثیرگذاری فوری بر عملیات روزانه شرکت دارند و شاخص‌هایی که تمایل به تاثیرات عمومی‌تری دارند ایجاد کرد. محیط فوری یا عملیاتی (immediate or Operational Environment) برای بسیاری از شرکت‌ها شامل عرضه‌کنندگان، رقبا، بازار نیروی کار، نهادهای مالی و مشتریان هستند و البته ممکن است که مواردی چون سازمان‌های تجاری، اتحادیه‌های تجاری، و احتمالاً شرکت‌های مادر (Parent Companies) را نیز شامل شود. در مقابل محیط عمومی یا زمینه‌ای (General or Contextual Environment) شامل شاخص‌های محیط کلان مانند عوامل اقتصادی، سیاسی، اجتماعی - فرهنگی، فناوری و تاثیرات قانونی بر کسب و کارها است که دامنه وسیع و متنوعی از کسب و کارها را متاثر کرده و نه تنها از منابع محلی و ملی بل که از توسعه بین‌المللی و فرا ملی نیز می‌تواند نشأت بگیرد. این نوع از تجزیه و تحلیل می‌تواند بر عملیات مختلف فعالیت کسب و کارها مانند بازاریابی، پرسنل، تولید یا تامین مالی نیز تسری پیدا کند، چنین تحلیلی می‌تواند حداقل به دو شیوه مفید واقع شود. نخست، تاثیر شاخص‌های خارجی را بر نواحی خاصی از شرکت را مورد تاکید قرار داده و اهمیت تقابل (رویاری) محیط داخلی و خارجی را گوشزد می‌نماید. دوم، با جلب توجه به این نکته، این واقعیت را برجسته و روشن می‌کند که گرچه سازمان‌های کسب و کار اغلب قادر به اعمال قدری کنترل بر فعالیتهای و فرایندهای درونی خود هستند، در رابطه با محیط خارجی، اعمال کنترل اگر غیر ممکن نباشد اغلب بسیار سخت است. شاخص‌های خارجی اشاره شده در بالا از این نقطه نظر که دیدگاهی کلی در رابطه با محیط کسب و کار با توجه به برخی از عوامل کلیدی تاثیر گذار محیطی بر فعالیت کسب و کار ارائه می‌نماید مفید است. با هماهنگی تمایز بین تاثیرات عمومی و فوری (عملیاتی). یکی از مهم‌ترین شاخص‌هایی که به منظور اندازه‌گیری کیفیت محیط کسب و کار مورد استفاده قرار می‌گیرد، شاخص سهولت انجام کسب و کار است. پروژه سهولت انجام کسب و کار (DB) در حدود ۱۴ سال پیش به اجرا

گذاشته شد. نگاه DB به شرکت‌های کوچک و متوسط (SMEs)، محلی است. اولین گزارش Doing Business در سال ۲۰۰۳ که ۵ شاخص و ۱۳۳ کشور را پوشش می‌داد منتشر شد (بانک جهانی، ۲۰۱۴) در سال ۲۰۰۹ این گزارش ۱۰ شاخص و ۱۸۳ کشور را پوشش می‌داد. این پروژه همچنین از بازخوردهای دولت‌ها، دانشگاهیان و منتقدان نهایت بهره می‌برد (صالح، ۲۰۱۳) در واقع هدف اولیه این پروژه، ارائه یک مبنای ذهنی مبتنی بر فهم و بهبود محیط مقرراتی کسب‌وکار بود و اکنون این پروژه کیفیت محیط مقرراتی را در ۱۸۹ کشور مورد بررسی قرار می‌دهد (بانک جهانی، ۲۰۱۵) اجرای این پروژه به نوعی حس رقابت را نیز بین کشورها برانگیخته که خود را در گزارش سهولت کسب‌وکار به عنوان بهترین اصلاح‌گر (Best Reformer) معرفی کنند. شاخص‌های Doing Business چگونگی سهولت یا سختی راه‌اندازی کسب‌وکار را برای کارآفرینان محلی در حیطه کسب‌وکارهای کوچک و متوسط بررسی و مورد تحلیل قرار می‌دهد. این شاخص^۱، متشکل از ۱۰ زیر شاخص شروع کسب‌وکار (Starting a Business)، اخذجواز کسب (Dealing with Construction)، اشتراک برق (Getting Electricity)، ثبت دارایی‌ها (Registering Property)، دریافت اعتبار (Getting Credit)، حمایت از حقوق مالکیت (Protecting Investors)، پرداخت مالیات (Paying Taxes)، تجارت برون‌مرزی (Trading Across Borders)، اجرای قراردادها (Enforcing Contracts)، حل‌وفصل ورشکستگی (Resolving Insolvency) است. اقتصاددانان نهادگرایی همچون نورث و توماس (۱۹۷۳)، اذعان داشته‌اند که موانع ورود مانع از توسعه می‌شوند (North & Thomas, 1973). این ادعای نورث و توماس بعدها توسط نویسندگان دیگری مورد تأیید و تأکید قرار گرفت، مثلاً فونسیکا و همکاران (۲۰۰۱)، کشورهای عضو سازمان همکاری اقتصادی و توسعه (OECD) را در بازه زمانی ۱۹۹۷-۲۰۰۱ بررسی کرده و نتیجه گرفتند که هزینه بالای شروع یک کسب‌وکار به عنوان مانعی برای خلق شرکت عمل می‌نماید و کارآفرینان بالقوه را از کارفرما بودن به سمت کارمند (کارگر) بودن سوق داده و مشاغل بالقوه را نیز کاهش می‌دهد. همچنین کار برجسته‌ای که یانکوف و همکاران (۲۰۰۲)، انجام داده‌اند مقرراتی که باعث افزایش ورود شرکت‌ها می‌شود را به عنوان مانعی بر سر راه تأسیس شرکت و رشد اقتصادی نشان دادند (Djankov, Porta, Silanes & Andrei, 2002).

اهمیت دسترسی به منابع مالی به منظور توسعه مالی و سپس رشد و توسعه نیز اخیراً در ادبیات سهولت انجام کسب و کار به صورت جدی دنبال می‌شود. برخلاف عقاید دهه-های اول بحث در زمینه تأمین مالی که اقتصاددانان عمدتاً مخالف نقش منابع مالی بر توسعه بودند امروزه قریب به اتفاق اقتصاددانان اهمیت آن را بر سهولت شروع کسب و کار اذعان می‌دارند. شومپتر (۱۹۱۲) یکی از نخستین افرادی بود که بر نقش و اهمیت تأمین مالی در فرایند رشد و توسعه تأکید داشت (Mendoza, Canara, & Ang, 2015).

تجارت این اجازه را به تولید کنندگان می‌دهد تا بازار محصولاتشان را توسعه داده و مواد مورد نیاز (درون داد) خود را به بهترین قیمت و کیفیت ممکن خریداری نمایند که در صورت فعالیت صرف در بازار محلی چنین امکانی برایشان فراهم نخواهد بود. خط قرمز بروکراتیک (Bureaucratic red tape) و هزینه حمل و نقل کالا از جمله مهم‌ترین موانع تجارت امروزی به ویژه در کشورهای در حال توسعه است. چنانچه شواهد حاکی از کاهش درآمد در برخی کشورهای آفریقایی به دلیل وجود رویه‌های تجاری ناکارآمد است (در برخی از این کشورها کاهش درآمد از این طریق حدود ۵ درصد تولید ناخالص داخلی است)؛ ۱۰ درصد کاهش در حمل کالاها از کارخانه به کشتی صادرات را در حدود ۴ درصد افزایش می‌دهد؛ و در برخی از کشورهای جنوب صحرای آفریقا (Sub-Saharan Africa) که بسیار از کشورها به دریا دسترسی (Land locked) ندارند، یک روز کاهش در زمان حمل و نقل زمین کالاها صادرات را حدود ۷ درصد افزایش می‌دهد (بانک جهانی، ۲۰۱۳).

هر کشوری در جهان سیستم پیچیده‌ای از قوانین و نهادهای^۲ حامی منافع کارگران ایجاد می‌کنند تا از حداقل استاندارد زندگی جمعیت خود اطمینان یابد (یانکوف و همکاران، ۲۰۰۲). طبق مطالعات بانک جهانی مدیریت مالیات (ادارات مالیات) در بین ۱۱ محدودیتی است که برای کسب و کارها به عنوان محدودیت اصلی عمل می‌نماید و همچنین نرخ مالیات جز ۵ محدودیت مهم است (بانک جهانی، ۲۰۱۳). ادبیات مالیات عمدتاً بر ارتباط بین نرخ مالیات و شاخص‌های توسعه متمرکز شده‌اند. برای مثال، یانکوف و گانسر (۲۰۱۰)، در بررسی شرکت‌های متوسط در ۸۵ کشور، نتیجه گرفتند که مالیات با نرخ بالا با سرمایه‌گذاری کل پایین، سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی پایین (FDI)، فعالیت‌های کارآفرینانه کم و بخش غیررسمی بزرگ‌تر ارتباط دارد.

سهولت کسب و کار زمان، هزینه و پیامدهای اقدامات ورشکستگی را مطالعه می‌کند که از جمله مهم‌ترین عوامل موفقیت کسب و کارها در سهولت شروع و انجام کسب و کار است. لذا این شاخص متشکل از سه زیر شاخص است: زمان، هزینه و نرخ بازیابی. زمان به صورت سالانه حساب می‌شود. هزینه اقدامات به صورت درصدی از ارزش مستغلات محاسبه می‌شود. نرخ بازیابی به صورت سنت‌هایی از هر دلار بازپرداختی اعتباردهندگان در اقدامات ورشکستگی محاسبه می‌شود (بانک جهانی، ۲۰۱۵).

روش‌شناسی Doing Business دارای محدودیت‌هایی است و نواحی و قسمت‌های با اهمیت مانند مجاورت به بازارهای بزرگ اقتصادی را نادیده گرفته است. کیفیت سایر زیرساخت‌های آن (به جز موضوع مربوط به حیطه‌های تجارت برون‌مرزی و اشتراک برق)، محافظت از دارایی‌ها در مقابل سرقت و دزدی، شفافیت در اقدامات دولت، شرایط اقتصاد کلان کشور یا قدرت اساسی مؤسسات و نهادها به وسیله Doing Business مورد بررسی مستقیم قرار نگرفته است (صالح، ۲۰۱۳). شاخص‌ها به انواع خاصی از کسب و کارها پرداخته است. عموماً و بیشتر عملیات شرکت‌های با مسئولیت محدود محلی که در بزرگ‌ترین شهر تجاری قرار گرفته‌اند مورد بررسی قرار گرفته است.

با این حال، داده‌ها تنها موانع انجام کسب و کار را نشان نداده است، بلکه این داده‌ها همچنین به شناخت منابع این محدودیت‌ها و موانع نیز اشاره می‌کنند؛ و از این جهت به سیاست‌گذاران در طراحی اصلاحات مورد نیاز در قوانین کمک می‌رسانند. رتبه در هر یک از موضوعات به این صورت است که میانگین ساده هر یک اجزایی که هر موضوع دارد را به صورت درصدی از کل نشان می‌دهد.

۳. معرفی و توصیف و ارزیابی شکلی کتاب

کتاب «بهبود فضای کسب و کار و تحقق اقتصاد مقاومتی» است با نظارت «مؤسسه تحقیقاتی تدبیر اقتصاد» و با پژوهشگری معصومه سادات و نظارت علمی سجاد برخورداری، در مرداد ماه سال ۱۳۹۴ در ۶۳ صفحه توسط مؤسسه تحقیقاتی تدبیر اقتصاد با قیمت ۷۰۰۰ تومان برای اولین بار با شمارگان ۱۵۰۰ نسخه منتشر شده است. مباحث این اثر در شش بخش تدوین شده است. بخش اول کتاب به مقدمه اختصاص دارد. در مقدمه اثر به موضوع رهیافت اقتصاد مقاومتی اشاره دارد که به کمال رسیدن اقتصاد ملی را در گرو ایجاد زیرساخت‌ها و بسترهای مناسب و با حضور و مشارکت

فعال مردمی می‌داند. همچنین در بخش مقدمه ضرورت توجه به بهبود محیط کسب و کار با توجه به چشم‌انداز ترسیم شده اشاره کرده است.

در بخش دوم این کتاب گزارش به واکاوی اهمیت بهبود فضای کسب و کار در تحقق اهداف اقتصاد مقاومتی پرداخته و چنین استدلال نموده است که « محیط کسب و کار مجموعه‌ای از عوامل مختلف سیاسی، اجتماعی و اقتصادی است که از محدوده اختیارات مدیران بنگاه‌های اقتصادی خارج و غیر قابل کنترل هستند و در بلند مدت بر عملکرد واحدهای اقتصادی مؤثرند. بهبود فضای کسب و کار منجر به حضور بیشتر بنگاه‌های اقتصادی شده و از این طریق بدنه تولید، توسعه بخش خصوصی، رشد سرمایه‌گذاری، ایجاد اشتغال و در نهایت تحقق رشد و توسعه اقتصادی در کشور منجر می‌شود و در صورتی که به این مهم توجه ننماییم کشورهای منطقه به خصوص کشورهای عربی موقعیت بهتری در جذب سرمایه میابند و حتی سرمایه‌گذاران داخلی نیز سرمایه‌های خود را به این کشورها انتقال می‌دهند»

در بخش سوم اثر به موضوع واکاوی جایگاه ایران در اجزای شاخص سهولت کسب و کار پرداخته شده است. نویسنده، پس از مروری بر تاریخچه گزارش سهولت انجام کسب و کار که توسط بانک جهانی از سال ۲۰۰۳ انتشار می‌یابد. زیر شاخص‌های این گزارش را معرفی نموده و جایگاه ایران را در هر کدام برای سال‌های ۲۰۱۴ و ۲۰۱۵ تشریح نموده‌اند. نویسنده ادعا می‌کند که جایگاه ۱۳۰ شاخص سهولت کسب و کار ایران با وجود صعود دو پله‌ای نسبت به سال ۲۰۱۴ گویای نامساعد بودن محیط کسب و کار کشور و شکاف فضای کسب و کار با کشورهای منتخب است. از این‌رو با توجه به رویکرد اقتصاد مقاومتی در اعتماد سازی، امید بخشی، باورپذیری و تسهیلگری فعالیت‌های اقتصادی بخش خصوصی و مشارکت گسترده مردمی جهت استفاده از سرمایه‌های انسانی و مالی امکانات موجود ضرورت ویژه‌ای می‌یابد.

پتانسیل و نقاط قوت فضای کسب و کار در ایران در بخش چهارم اثر معرفی شده‌اند. نویسنده اشاره نموده که به منظور بهبود فضای کسب و کار در کشور، لازم است به تفکیک شناخت و تحلیل نقاط قوت و ضعف فضای کسب و کار در کشور پرداخت. من جمله نقاط قوت اقتصاد ایران به زعم نویسنده عبارت است از: نیروی جوان تحصیل‌کرده، سرمایه اجتماعی موجود در کشور، منابع طبیعی.

بخش پنجم اثر که باید بخش اصلی آن باشد به تبیین موانع کسب و کار در ایران پرداخته است. نویسنده معتقد است که وجود امنیت، از مهم‌ترین مؤلفه‌های تأثیرگذار بر جذب

سرمایه‌گذاری است و سیاست‌گذاران پیوسته بایستی به منظور بهبود محیط نهادی و امنیت اقتصادی در تلاش باشند. در این بخش نویسنده مهم‌ترین موانع کسب‌وکار در ایران را تحریم‌های بین‌المللی، عدم ثبات اقتصادی، قوانین و مقررات پیچیده و فساد می‌داند.

نویسنده در بخش آخر ضمن جمع‌بندی مطالب مطرح شده در بخش‌های قبل اقدام به ارائه راهکارهایی برای بهبود محیط کسب‌وکار و تحقق اقتصاد مقاومتی در ایران نموده است. تقویت بخش خصوصی، تغییر نگرش در قوانین و مقررات، برخورد با مفسدان اقتصادی، تأمین ثبات اقتصادی و تضمین حقوق مالکیت از جمله راهکارهای ارائه شده به منظور تحقق اقتصاد مقاومتی توسط محقق است.

این اثر از نظر مؤلفه‌های جامعیت صوری شرایط مطلوبی ندارد. اثر دارای پیشگفتار، مقدمه کلی و فهرست اجمالی مطالب و بخش نتیجه‌گیری و پیشنهادهای کلی است و از شکل، جدول و نمودار برای بیان برخی از مفاهیم استفاده کرده است. اثر فاقد نظم لازم در فصل‌بندی است و شکل‌ها، جداول و نمودارها بدون فهرست است. اثر فاقد ویژگی‌های مطلوب یک کتاب است و بیشتر به تحلیل گزارش سال‌های ۲۰۱۴ و ۲۰۱۵ شاخص‌های چون سهولت انجام کسب‌وکار (Doing Business) پرداخته است.

کتاب با توجه به تعداد صفحات آن (۶۳ صفحه)، در قطع مناسب و با کیفیت چاپ و صفحه‌آرایی مناسبی چاپ شده است. طراحی جلد کتاب قابل قبول و به لحاظ نگارش فارسی و اغلاط چاپی و نمونه خوانی در سطح نسبتاً خوبی قرار دارد. اصول نگارش در استفاده صحیح از نشانه‌های سجاوندی نظیر نقطه، ویرگول و نیم‌فاصله خوب رعایت شده است و مباحث کتاب تا حدود زیادی روان و ساده است و نویسنده با به‌کارگیری جملات کوتاه و قابل فهم سعی کرده‌اند تا مطالعه آن برای کلیه خوانندگان آسان باشد. جداول و نمودارهای موجود از وضوح کافی برخوردار هستند. البته در برخی موارد ضعف‌هایی در کار مشاهده می‌شود، من جمله نوع قلم یا رنگ به‌کاررفته در منبع نویسی جدول شماره (۱) در صفحه ۱۴ و نمودار شماره (۳)، در صفحه ۱۵ تفاوت محسوسی دارد.

۴. تحلیل و ارزیابی محتوای اثر

مطالب گردآوری شده، بیشتر به دلیل گزارش محور بودن آن از نظم منطقی و انسجام کافی برخوردار نیست. البته مباحث کلی کتاب من جمله شاخص و زیر شاخص‌های

سهولت انجام کسب و کار کاملاً منسجم و دقیق ارزیابی می‌شود. ارتباط بین اقتصاد مقاومتی و محیط کسب و کار به جز مطالبی که در مقدمه و همچنین نتیجه‌گیری بیان شده در سایر قسمت‌های کتاب تبیین نشده است؛ و سؤالی که پیش می‌آید این است که آیا مواردی که در این کتاب ذکر شده، منحصر به اقتصاد مقاومتی است؟! و در اقتصاد متعارف جایی ندارد؟ به نظر می‌رسد که با توجه به عنوان (بهبود فضای کسب و کار و تحقق اقتصاد مقاومتی)، بایستی بهای بیشتری به مباحث اقتصاد مقاومتی و ارتباطات آن با موضوع محیط کسب و کار داده می‌شد و در کل مبانی نظری قوی که می‌بایستی سازوکار تأثیر بهبود فضای کسب و کار بر تحقق اقتصاد مقاومتی را بیان می‌نمود ارائه نشده و در بیان و تشریح این ارتباطات ضعیف و ناقص عمل شده است.

بخش چهارم کتاب (صفحه ۳۶) تحت عنوان «پتانسیل و نقاط قوت فضای کسب و کار در ایران» نام دارد که در این بخش، قبل از ورود به بحث اصلی اشاره شده که "به منظور بهبود فضای کسب و کار در کشور، لازم است به تفکیک به شناخت و تحلیل نقاط قوت و ضعف فضای کسب و کار در کشور پرداخت" اما هم در تیتراژ اصلی و هم در زیر تیتراژ فقط نقاط قوت مورد بحث قرار گرفته است و نقاط ضعف این اقتصاد مورد توجه قرار نگرفته است. همچنین در همین تیتراژ و در صفحات ۳۶، ۳۷ و ۳۸ سه مورد الف- نیروی جوان و تحصیل کرده، سرمایه اجتماعی در کشور و منابع طبیعی به عنوان نقطه قوت فضای کسب و کار در ایران مورد بحث قرار گرفته است. آیا نقاط قوت فضای کسب و کار ایران همین سه مورد است؟! قطعاً خیر. لذا بهتر بود به سایر نقاط قوت موجود در فضای کسب و کار ایران نیز پرداخته شود. همچنین بحث "سرمایه اجتماعی" قوی به عنوان نقطه قوتی برای ایران در نظر گرفته شده است، در حالی که طبق گزارش مجمع جهانی اقتصاد (World Economic forum) ایران در گزارش سرمایه انسانی (Human capital report) در سال ۲۰۱۵ از بین ۱۲۴ کشور، رتبه ۸۰ و در سال ۲۰۱۶ در بین ۱۳۰ کشور رتبه ۸۵ را به خود اختصاص داده است که نشان دهنده جایگاه بسیار ضعیف در این شاخص است.

همین انتقادات نسبت به بخش پنجم کتاب که تحت عنوان «موانع کسب و کار در ایران» نام‌گذاری شده است، وجود دارد؛ که در مجموع عدم رعایت نکات مطروحه سبب گسستگی در تسلسل عناوین و مباحث شده است. در واقع بهتر بود، به جای نقاط قوت و موانع تحقق، از شیوه ماتریس SWOT که در شامل نقاط قوت، نقاط ضعف، فرصت‌ها و تهدیدها است، استفاده می‌شد.

با توجه به این که کتاب مورد نظر بررسی دقیقی از رابطه بین اقتصاد مقاومتی و محیط کسب‌وکار ارائه نداده است، لذا نمی‌توان این اثر را به عنوان اثری جامع تلقی نمود. بسیاری از مباحثی که شاید بیشتر از شاخص سهولت انجام کسب‌وکار به بحث اقتصاد مقاومتی مرتبط است (مانند حکمرانی خوب که متشکل از ثبات سیاسی، اعتراض و پاسخ‌گویی، اثربخشی دولت، کیفیت مقرراتی، حاکمیت قانون و کنترل فساد است)، در این نوشتار مورد بحث قرار نگرفته است. عدم تبیین ابعاد مختلف اقتصاد مقاومتی و نادیده گرفتن بسیاری از موضوعات مرتبط با این مقوله و همچنین ضعف در چگونگی بیان ارتباط بین محیط کسب‌وکار و اقتصاد مقاومتی از کیفیت روش تجزیه و تحلیل این اثر کاسته است. موضوع محیط کسب‌وکار و تحقق اقتصاد مقاومتی و رابطه متقابل بین آن‌ها با چنانکه در عنوان کتاب نوشته شده در متن اثر کمتر مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفته است. نویسنده اثر مسیرهای تأثیرگذاری متقابل بین محیط کسب‌وکار و اقتصاد مقاومتی را غالباً با روش توصیفی بیان کرده و جز در مواردی که به تحلیل نموداری جایگاه ایران در سهولت انجام کسب‌وکار و مقایسه آن با سایر کشورها اقدام به بررسی تجربی موضوع و اثبات فرضیه‌های مورد ادعا نکرده که از بار علمی اثر به شدت کاسته است. نویسنده می‌توانست با ارائه مطالعات تجربی مکانیسم تأثیرگذاری بهبود محیط کسب‌وکار را بر تحقق اقتصاد مقاومتی نشان دهد که متأسفانه از این کار غافل مانده است.

به دلیل تمرکز عمده نویسنده بر تنها یکی از شاخص‌های محیط کسب‌وکار نویسنده از منابع علمی نه چندان زیادی بهره گرفته است ضمن آن‌که غالب مبانی نظری محیط کسب‌وکار در زمینه سهولت انجام کسب‌وکار نیز توسط نویسندگان غربی پایه‌گذاری شده است که نویسنده اشاره‌ای به هیچ یک از آثار نویسندگان نام‌آشنایی چون سیمون یانکوف در این زمینه نداشته است. با توجه به دولتی و شبه‌دولتی بودن اقتصاد کشور و سهم ناچیز بخش خصوصی در این اقتصاد و لزوم ارتقای جایگاه بخش خصوصی در فعالیت‌های اقتصادی به منظور تحقق اقتصاد مقاومتی و نیز با توجه به تأثیر این مسئله در سطح رقابت‌پذیری اقتصاد و در نتیجه تأثیر آن بر قدرت رقابت‌پذیری در بازارهای جهانی ضرورت داشت که نویسنده اثر به اهمیت این مسئله و دخالت دادن آن در کنار شاخص سهولت انجام کسب‌وکار و ارتباط آن با اقتصاد مقاومتی می‌نمود. همچنین به دلیل عدم پرداختن به جنبه‌های مختلف اقتصاد مقاومتی به ویژه بحث کارآفرینی و

اقتصاد دانش‌بنیان منابع کافی که برای استحکام یک نوشتار در قالب کتاب لازم است را ندارد.

نویسنده این اثر توجه کافی به اصول منبع دهی در استنادات و ارجاعات اندک خود نکرده است. به مواردی از این بی‌توجهی‌ها اشاره می‌شود:

از صفحه سه تا صفحه ۱۲ کتاب کل منابعی که استفاده شده عبارت است از الف- (خضری، ۱۳۸۹) در خط ۱۲ صفحه ۸ و ب- (اتاق بازرگانی و صنایع و معادن ایران، ۱۳۹۰)، در نمودار شماره (۱) صفحه ۹.

در صفحه ۱۲ شکلی با عنوان نمودار (۲) "سهولت فضای کسب‌وکار و تحقق اهداف اقتصاد مقاومتی" ترسیم شده است که مأخذ آن یافته‌های پژوهش معرفی شده است. اگر منظور چارچوب مفهومی پژوهش است که باید در ادامه کار سؤال یا فرضیات تحقیق را که برخاسته از این چارچوب است پاسخ داده می‌شد که این چنین نیست. همچنین با فرض اینکه شکل مذکور چارچوب مفهومی تحقیق است. مبانی نظری که مکانیسم رابطه اقتصاد مقاومتی و محیط کسب‌وکار را تبیین و مشخص می‌نمود بایستی در متن اثر توضیح داده می‌شد که این کار انجام نگرفته است.

اصولاً عناوین جداول در بالای جداول و عناوین نمودارها و اشکال در پایین نوشته می‌شود. در این کتاب همه جداول، اشکال و تصاویر در قسمت بالا نوشته شده‌اند. برای مثال نمودار صفحه ۱۷، ۱۵، ۱۸، ۲۰، ۲۲ و غیره

در این کتاب اصطلاحات تخصصی و معادل‌سازی برای واژه‌ها و اصطلاحات تخصصی و خارجی به نحو احسن رعایت نشده است. به عنوان مثال هیچ یک از زیر شاخص‌های شاخص سهولت انجام کسب‌وکار که واژگان تخصصی هستند را معادل‌سازی انگلیسی نشده‌اند. همچنین لازم به ذکر است که در حال حاضر اکثر محققین داخلی به جای اصطلاح "فضای کسب‌وکار" از "محیط کسب‌وکار" استفاده می‌نمایند. البته ناگفته نماند که سیمون وایت (۲۰۰۴)، هر دو اصطلاح را مترادف هم دانسته است.

برای اغلب مطالب مورد استناد در متن اثر منبع ارائه نشده است، مانند: پاراگراف دوم (خط دوم)، صفحه ۸ «در کشور روسیه و بعضی کشورهای اروپای شرقی، دارایی‌ها و شرکت‌های دولتی به بخش خصوصی واگذار شد بدون آنکه رقابت در اقتصاد تقویت و موانع بر سر راه فعالیت‌های بخش خصوصی برداشته شود...»؛ پاراگراف اول صفحه ۹ «مجموعه‌ای از عوامل مختلف سیاسی، اجتماعی و اقتصادی که از محدوده اختیارات

مدیران بنگاه‌های اقتصادی خارج و غیر قابل کنترل بوده و در بلند مدت بر عملکرد واحدهای اقتصادی مؤثرند، محیط کسب‌وکار را به وجود می‌آورند...»؛ صفحه ۱۲، خط ۴ و ۵ و صفحه ۱۳ خط اول «بهبود فضای کسب‌وکار و ثبات و امنیت اقتصادی منجر به تقویت انگیزه سرمایه‌گذاران خارجی برای سرمایه‌گذاری در کشور می‌شود...»؛ پاراگراف آخر صفحه ۱۷ «سردرگمی فعالان اقتصادی برای اخذ مجوز و دریافت استعلام‌های گوناگون و پراکندگی سازمان‌های اعطای مجوز سبب تردید سرمایه‌گذاران برای اقدام به کسب مجوز و یا همه‌گیر شدن روش‌های غیر قانونی و پرداخت رشوه و فساد در کشور می‌شود» و غیره

از نظر هماهنگی و سازگاری اثر با ارزش‌های اسلامی بایستی گفت که اقتصاد مقاومتی ارتباط تنگاتنگی با آموزه‌های دین اسلام و گفتمان ائمه اطهار دارد (البته مفهوم اقتصاد مقاومتی با اقتصاد اسلامی متفاوت است) و نویسنده در قسمت چکیده کتاب به این مورد اشاره نموده است: "سهولت کسب‌وکار و تأمین ثبات و امنیت اقتصادی، انگیزه سرمایه‌گذاران خارجی را برای سرمایه‌گذاری در کشور تقویت می‌کند. از این رو بهبود فضای کسب‌وکار، لازمه تحقق اهداف اقتصاد مقاومتی و دستیابی به اقتصاد ایدئال اسلامی در کشور شناخته شده است" (صفحه ۳، پاراگراف اول). لذا در پیکربندی کلی کتاب، توجه به گفتمان اسلامی رعایت شده و از این نظر کتاب در سطح بسیار خوب ارزیابی می‌شود.

۵. نتیجه‌گیری

این کتاب هدف والایی را دنبال می‌کند، اما تبیینی متقن از ارتباط بین محیط کسب‌وکار و اقتصاد مقاومتی بر غنای اثر خواهد افزود. عدم ارائه دیدگاه‌های مختلف در زمینه محیط کسب‌وکار و اقتصاد مقاومتی در بسیاری از بخش‌های کتاب شکافی بزرگ ایجاد کرده است و تلاش نویسنده را برای تدوین یک کتاب منسجم و قابل استناد تا حدی بی‌نتیجه گذاشته است که این مورد نیز به عنوان یکی از نقاط ضعف و شاید مهم‌ترین آن‌ها تلقی می‌شود.

البته با توجه به اینکه کمتر کتابی چنین رویکردی را به منظور تحقق اقتصاد مقاومتی در کشور دنبال کرده است، چارچوب کلی کتاب قابل قبول است و این مورد به عنوان نقطه قوت این کتاب بوده و می‌توان در ویرایش‌های بعدی اثر با انجام اصلاحاتی کتاب را غنی‌تر نمود. لذا بایستی توجه داشت که سایر جنبه‌های محیط کسب‌وکار به همراه مؤلفه‌های اقتصاد مقاومتی نیز می‌تواند مبنای تحلیل دقیق‌تر ما قرار بگیرد.

به نظر، اگر نویسنده محترم در نحوه تنظیم مطالب تجدید نظر کند کتاب چندین سطح بالاتر قابلیت ارزیابی را خواهد داشت. عنوان تحقیق می‌تواند خود حامل نوآوری باشد. لذا برای چنین عنوانی بسنده کردن به نمودار کلی زیر شاخص‌های سهولت انجام کسب‌وکار ارزش علمی و کتاب را پایین آورده و موجب نادیده گرفتن نوآوری تحقیق شود.

درون متن کتاب مطالبی وجود دارد که دارای مبانی نظری و پشتوانه علمی استوار است؛ و این مبانی نظری تفاوت نوشته علمی را با سایر انواع نوشتارها تمییز می‌کند که شایسته بود نویسنده محترم ارجاع به آن‌ها را فراموش نمی‌کرد. لذا پیشنهاد می‌گردد که در ویرایش‌های بعدی کتاب، حتماً منبع درون‌متنی فراموش نشود.

تغییراتی در زیر معیارهای شاخص سهولت انجام کسب و کار ایجاد شده است. در سال اخیر بانک جهانی در نحوه محاسبه برخی شاخص‌ها تجدید نظر کرده است (مثلاً اضافه کردن مولفه جنسیت به سه مورد از شاخص‌ها) شروع کسب و کار، ثبت مالکیت و اجرای قراردادها) و افزودن کشور سومالی برای نخستین بار به جمع سایر کشورها. لذا پیشنهاد می‌گردد که در ارائه ویرایش‌های بعدی این موارد لحاظ گشته و یا حداقل به آنها اشاره گردد.

پیشنهاد می‌گردد که نویسنده در ویرایش‌های بعدی کتاب از موضوعاتی دیگری که با مباحث کتاب مرتبط است استفاده نموده و ارتباط آن‌ها را نیز با تحقق اقتصاد مقاومتی سنجیده و تحلیل نماید. از جمله این شاخص‌ها عبارت‌اند از: شاخص رقابت‌پذیری جهانی، شاخص نوآوری جهانی و جایگاه ایران در آن و موضوع بهره‌وری اقتصاد ایران که به وضوح در سیاست‌های کلی اقتصاد مقاومتی بیان شده است. پرداختن به این موضوع‌ها و تبیین ارتباطات آن با مسأله مورد بررسی در این اثر قطعاً می‌تواند به غنای علمی و کاربردی آن بیفزاید.

پی‌نوشت

۱) بانک جهانی، در کنار شاخص‌های ۱۰ گانه، امتیاز فاصله تا مرز (Distance To Frontier) برای اقتصادهای ۱۸۹ گانه را نیز محاسبه می‌نماید. امتیاز فاصله تا مرز، فاصله میان عملکرد هر کشور با کشور دارای بهترین عملکرد در هر مولفه را به نمایش می‌گذارد. بازه امتیازی از ۰ تا ۱۰۰ است. هر چه امتیاز کشوری به ۱۰۰ نزدیک تر باشد، فاصله آن کشور تا کشور دارای بهترین عملکرد در هر مولفه کمتر خواهد بود (World Bank, 2015)

۲) کیفیت خوب محیط نهادی پیش نیاز اجرای هر استراتژی یا سیاستی است، یعنی حتی با وجود سیاست‌ها و استراتژی‌های مناسب، رسیدن به اقتصاد دانش‌بنیان ممکن است که بدون

توجه به محیط نهادی امکان پذیر نباشد (لیچ و کلرو و، ۲۰۰۸) به عبارتی دیگر، برای تحقق اقتصاد دانش بنیان، وجود نهادها به تنهایی کافی نیست، بلکه این نهادها بایستی قوی، قابل اعتماد نیز باشند. و به زعم دیوید و فورای خلق نهادهایی قابل اعتماد پیش شرط ایجاد جامعه‌ای دانش بنیان است (دیوید و فرای ۲۰۰۳). از این رو تحقق اقتصاد مقاومتی نیاز به ساز و کارهایی دارد که رژیم نهادی کشور را به عنوان مشوق و محرک اقتصاد دانش بنیان به درآورد. اقتصاد دانش بنیان از جمله مباحثی است که رهبری انقلاب نیز در سخنرانی‌های متعدد خود به عنوان پیش شرط رسیدن به اقتصادی مقاوم که درون‌زا بوده و رویکردی و برون‌گرا داشته باشد مورد تأکید قرار داده‌اند.

کتاب‌نامه

سجادی، معصومه سادات. (۱۳۹۵). *بهبود فضای کسب و کار و تحقیق اقتصاد مقاومتی*. تهران: موسسه تحقیقات تدبیر اقتصاد.

حاکمی، رضا. میرزاخانی، حسن و غفاری، هادی. (۱۳۹۷). «ارزیابی مقایسه‌ای محیط کسب و کار استان مرکزی با محیط کسب و کار استان‌های کشور». مجلس و راهبرد. ۲۵(۹۴). صص. ۳۹۳-۴۲۵.

- Saleh, A. (2013). "Assessing the impact of doing business indicators in the GDP growth in Egypt". *International Journal of Research In Social Sciences* Vol. 3, No.4 32-52.
- Djankov, S., Porta, R. L., Silanes, F. L., & Andrei, S. (2002). "the regulation of entry". *Quarterly journal of economics*, 1-37.
- Djankov, S., Porta, R. L., & Silanes, F. (2004). "The regulation of labor". *Yale University*, 1-45.
- David, P. and Foray, D. (2003), "Economic Fundamentals of the Knowledge Society", *Policy Futures in Education*, 1 (1), 20-49
- Lepage, L. and D. Kolarova (2008), "Knowledge Society and Transition Economies The Bulgarian Challenge", *Journal of The Romanian regional science association*, 53-79.
- Mendoza, R. U., Canare, T. A., & Ang, A. P. (2015). *Doing business: A review of literature and its role in APEC 2015* (No. 2015-37). PIDS Discussion Paper Series.

- North, D., & Thomas, R. (1973). *The Rise of the Western World: A New Economic History*. Cambridge, UK: Cambridge University Press.
- Rajan, R., & Zingales, L. (1998). Financial Dependence and Growth. *The American Economic*.
- Roubini, N., & SalaiMartin, X. (1992). "Financial Repression and Economic Growth". *Journal of Development Economics* 39, 5-30.
- White, Simon (2004). Donor approaches to improving the business environment for small enterprises, Working Group on Enabling Environment, Committee of Donor Agencies for Small Enterprise Development, Washington.
- Robin, W. (2000). *Managing complexity/Robin Wood*. Economist in association with Profile Books, London, 310.
- Worthington, I., & Britton, C. (2009). *The business environment*. Pearson Education.
- World Bank. (2013). *Doing business*. Washington, D.C: World World Group.
- World Bank. (2014). *Doing business*. Washington, D.C: World World Group.
- World Bank. (2015). *Doing business report*. Washington, D.C: World bank Group.
- <http://farsi.khamenei.ir/news-content?id=۲۵۳۷۰>